

## پیامدهای اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی

شهره روشنی<sup>۱</sup>، سوسن باستانی<sup>۲</sup>، نهله غروی نائینی<sup>۳</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی به روش کیفی از نوع تحلیل محتوا انجام شد. اطلاعات با استفاده از مصاحبه عمیق با ۶۰ نفر از زنان متأهل ساکن شهر تهران که با نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن ملاک به اشباع رسیدن مقولات حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها انتخاب شدند، جمع‌آوری شد. داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه گرانهایم و لوندمان تحلیل گردید که پنج مقوله اصلی شامل مواجهه زن با بحران و زلزله، جایگزین‌یابی برای آرامش مفقود، مواجهه همسر با بحران و زلزله، مواجهه فرزندان با بحران و زلزله و تعاملات برون خانوادگی نامطلوب و یک درون‌مایه شامل بحران و زلزله خانواده استخراج شد. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت که اختلال در آرامش زنان در زندگی زناشویی پیامدهای مختلفی برای اعضای خانواده داشته است که بیانگر مواجهه خانواده با اختلال جدی در ثبات و تعادل است. همه پیامدها به طور مجدد عامل اختلال در آرامش واقع شده و چرخه معیوب اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی را بازتولید می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** اختلال احساس آرامش، زندگی زناشویی، زنان.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۰۹ تاریخ بازنگری: ۱۳۹۸/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۰  
۱. استادیار مطالعات زنان، عضو هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء ع.ا.س.، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: mailto:sh.rowshani@alzahra.ac.ir  
۲. استاد جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء ع.ا.س.، تهران، ایران.  
Email: mailto:sbastani@alzahra.ac.ir  
۳. استاد علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.  
Email: naeeni.n@modares.ac.ir

## The Consequences of Disruption in Women's Sense of Tranquility in Marital Life

Shohre Rowshani<sup>1</sup>, Susan Bastani<sup>2</sup>, Nahle Gharavi Naeeni<sup>3</sup>

This study was conducted with the purpose of investigating the consequences of disruption in women's sense of tranquility in marital life using a qualitative method (content analysis). The data were collected by in-depth interviews with 60 married women living in Tehran. They were purposefully selected, based on the theoretical saturation of the interview. The data were analyzed using Graneheim's and Lundman's five-stage qualitative method and five themes were extracted, including woman's exposure to crisis and instability, finding alternatives for missing tranquility, husband's exposure to crisis and instability, children's exposure to crisis and instability, and unpleasant extra-family interactions. One core theme was also extracted named crisis and instability in family. According to the results, it can be said that disruption in women's sense of tranquility in marital life has different consequences for family members that it shows family's exposure to serious disruption in stability and balance. Again, these consequences cause disruption in tranquility and it regenerates the defective cycle of disruption in the sense of tranquility in marital life.

**Keywords:** disruption in sense of tranquility, marital life, women.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

### Paper Type: Research

Data Received: 2019/01/29

Data Revised: 2019/07/31

Data Accepted: 2019/08/18

1. Assistant Professor of Women's Studies, Alzahra University, Faculty Member of Research Institute of Women, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: sh.rowshani@alzahra.ac.ir

2. Professor of Sociology, Faculty Member of Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: sbastani@alzahra.ac.ir

4. Professor of Quran & Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: naeeni\_n@modares.ac.ir

در دیدگاه اسلامی سلول اصلی پیکره اجتماع، خانواده است و سلامت یا فساد جامعه انسانی در گرو سلامت یا فساد خانواده است. به همین دلیل اسلام توجه ویژه‌ای به خانواده دارد و همگان را به صیانت از خانواده موظف کرده است. (بانکی پورفرد، ۱۳۹۰) از نظر اسلام خانواده محل پرورش، رشد و تعالی انسان و تکامل شخصیت او و تأمین نیازهاست. خداوند متعال بهترین وسیله تسکین و آرامش انسان را در رابطه مودت‌آمیز انسان با همسر و فرزندان قرار داده است و جلوه‌های خاص این آرامش را با اهدای اکسیر مودت و رحمت در ابتدای ازدواج در قلب زن و شوهر متجلی کرده است (ر.ک.، روم: ۲۱؛ جوکار، ۱۳۹۱). خداوند در آیه ۲۱ سوره روم اصل مهم رسیدن به آرامش را مطرح می‌کند که باید در تمام ابعاد ازدواج مورد توجه قرار گیرد (بانکی پورفرد، ۱۳۹۲)؛ همچنین در آیه ۱۸۹ سوره اعراف آمده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا». وجود صفا، یکرنگی و صمیمیت در خانواده علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی‌ترین هدف یعنی، ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یکدیگر و نشان‌دهنده عمل کردن آنها به وظایفشان در برابر یکدیگر است (امانی، ۱۳۹۰). در نظام الهی و فرهنگ قرآنی هدف اصلی ازدواج رسیدن به آرامش روان و آسایش خاطر، پیمودن طریق رشد و نیل به کمال انسانی است (افروز، ۱۳۹۰). قرآن خانواده را آیت بزرگ خداوند می‌داند که مرکز پیدایی و پرورش آرامش، مودت و رحمت است و در چنین خانواده‌ای همسران و فرزندان اندوه‌زدا و سرورآفرین همدیگر می‌شوند و به رهبری و پیشوایی پارسایان و شایستگان روزگار می‌رسند (گلزاری، ۱۳۸۷).

خانواده سنگ بنای همه جوامع بزرگ انسانی است و در استحکام روابط اجتماعی و رشد اعضای جامعه نقش بنیادین دارد. (نوابی نژاد، ۱۳۹۱) اگر بنیان نهاد خانواده متزلزل شود، بنیان‌های اخلاقی و اجتماعی کل نظام اجتماعی متزلزل می‌شود و جامعه به سوی مشکلات گوناگون می‌رود. خانواده کارکردهای مثبت، سازنده و بی‌بدیلی در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی انسان دارد و در کسب موفقیت‌ها و شکوفایی استعدادها و ارتقای سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه بسیار تأثیرگذار است (ملکوتی خواه، ۱۳۹۰).

احساس آرامش از مهم‌ترین کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده است و آرامش و

اطمینانی که برای همسران و سایر اعضای خانواده در محیط خانواده بهنجار ایجاد می‌شود در هیچ جایی حاصل نمی‌شود و محیط آن امن‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای ارضای نیازهای روانی به‌ویژه تأمین آرامش روانی است. (پناهی، ۱۳۸۷) بررسی مسیر تحولات در حوزه خانواده نشان می‌دهد که در دهه‌های اخیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و به دنبال آن دگرگونی‌هایی که در شکل و وظایف خانواده و دیدگاه افراد نسبت به خود، خانواده و انتظارات از زندگی زناشویی پدید آمده است نهاد خانواده را با چالش‌ها و تعارضات متفاوت و مضاعفی نسبت به گذشته روبه‌رو کرده است (جهانی دولت‌آباد و حسینی، ۱۳۹۳). متأسفانه در سال‌های اخیر احساس امنیت، آرامش و روابط صمیمانه میان همسران سست و رضایت زناشویی کم شده است (ستوده، ۱۳۷۹، به نقل از بنی‌فاطمه و طاهری تیمورلویی، ۱۳۸۸).

بررسی وضعیت موجود خانواده‌ها براساس پرونده‌های مراجعین به مراکز مشاوره و دادگاه‌های خانواده و نیز افزایش آمار طلاق نشان می‌دهد با وجود اینکه کسب آرامش از اهداف مهم ازدواج است برخی از افراد با ازدواج به آرامش نمی‌رسند و تأهل و زندگی زناشویی برای آنها آرامش‌آفرین نیست. بنابراین، اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی از چالش‌هایی است که خانواده ایرانی امروزه با آن روبرو و نیازمند مطالعه است تا برای پیشگیری و درمان آن چاره‌اندیشی شود؛ زیرا هر عاملی که کارکردهای خانواده را مختل کند مانع تحقق اهدافی می‌شود که تشکیل خانواده به دنبال آن بوده است، پس بررسی ابعاد مختلف آن مهم است. یکی از ابعاد مسئله اختلال در احساس آرامش پیامدهای آن است که می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های جدی برای اعضای خانواده باشد.

امروزه خانواده به صورت یک سیستم اجتماعی و ارتباطی تعریف شده است که سلامت آن و به تبع سلامت جامعه بازتابی از عملکرد مناسب اعضای آن است. (کامینگ و دیویس، ۲۰۰۲) با توجه به تعامل مستمر ارگانیک خانواده با اعضای خود و اجتماع، خانواده مانند کانون اصلی سلامت یا بیماری اعضای خود در نظر گرفته می‌شود (ستیر، ۱۳۸۴). بردشاو<sup>۳</sup> که با نگرش سیستمی به خانواده می‌نگرد معتقد است الگوی سیستمی خانواده نشان

1. Cummings, E. M., & Davies, P. T.

2. Satir

3. Bradshaw

می دهد که چگونه هر شخص نقشی را در مجموعه نظام خانواده بازی می کند. نگرش سیستمی خانواده را به عنوان یک نظام می پذیرد و از این رو، بیماری ذهنی را پدیده ای فردی و تفکیک پذیر ندانسته و آن را نشانگان ناموفق بودن نظام خانواده می داند (بردشاو، ۱۳۸۶). از منظر متفکران کارکردگرا اگر خانواده از نظر کارکردی دچار عدم تعادل شود، متزلزل و از هم گسیخته می شود. در نتیجه از هدف اصلی زندگی بازمی ماند و آرمانش را از دست می دهد. در خانواده متزلزل جذابیت زندگی به میزان قابل ملاحظه ای کاهش می یابد و انگیزه چندانی برای حفظ خانواده وجود ندارد. وقتی کارکردهای خانواده مانند کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می بیند اعضای آن به تدریج احساس رضایتمندی خود را از دست می دهند. کاهش تدریجی رضایتمندی اعضای خانواده ابتدا موجب گسست روانی و طلاق عاطفی و سپس گسست حقوقی و طلاق قانونی می شود. در دوران کنونی با تضعیف بسیاری از کارکردهای خانواده کارکرد عاطفی همچنان باقی مانده است و به همین دلیل خدشه دار شدن آن در سست شدن بنیان نظام خانواده نقش تعیین کننده ای دارد (چابکی وزارع، ۱۳۹۷). آرامش بخشی از مهمترین کارکردهای عاطفی خانواده است و ایجاد هرگونه اختلالی در آن همه اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می دهد. کاهش تعاملات مثبت، سازگاری و رضایت زناشویی، کاهش احساس آرامش در زندگی را به دنبال دارد و نظام خانواده را متأثر می کند.

بر اساس پژوهش ها، رضایت زناشویی یکی از عوامل مؤثر در ثبات خانواده و بهداشت روانی زوجین و فرزندان است. وقتی روابط زوجین رضایت بخش باشد آرامش بر خانواده حاکم می شود. این امر موجب کاهش مشکلات روانی می شود و بهبود عملکرد در زندگی اجتماعی را در پی دارد. (پورحسین، ۱۳۸۵. به نقل از حاجی زاده میمنندی و دهقان چناری، ۱۳۹۴) در صورت بهره مندی خانواده از عملکرد مناسب، اعضای آن نیز سلامت و بهزیستی مطلوبی دارند (روستیت، چی و شووین، ۲۰۰۷). پژوهشگران معتقدند که رضایت زناشویی در حفظ تعادل زندگی، طول عمر بیشتر، سلامت بدنی و مصونیت بیشتر در برابر بیماری ها، سلامت روانی اعضای خانواده، کاهش افسردگی و احساس تنهایی، مقابله با فشارهای زندگی، داشتن عملکرد

مناسب در زندگی و تعامل با فرزندان مؤثر است (طلایی زاده و بختیارپور، ۱۳۹۵؛ معتمدی، غباری بناب، ابرغم، ۱۳۹۵؛ هدایتی و بگی، ۱۳۹۵؛ اسدی، غباری بناب و قاسم زاده، ۱۳۹۴؛ اسلاچر و شویی، ۲۰۱۷؛ کیپلر، ۲۰۱۵ به نقل از کرابی، خجسته مهر، سودانی و اصلانی، ۱۳۹۵؛ یو، بارتل هرینگ، دی و گانگاما، ۲۰۱۴؛ هیمن، لانگ، اسمیت، فیشر، سند و روزن، ۲۰۱۴؛ کمپ داش، تیلور و کروگر، ۲۰۰۸؛ ویتسون و ال شیخ، ۲۰۰۳؛ روبرتز، ۲۰۰۰).

رضایت از زندگی زناشویی می تواند بر توانایی زوجین در برقراری روابط رضایتمندانه با فرزندان و انجام وظایف والدینی در ارتباط با آنها تأثیر بگذارد. (جولایی، بحرانی، پاشایی پور و دیباییان، ۱۳۸۴) رضایت زناشویی ایفای نقش والدینی را آسان می کند. پژوهش ها نشان می دهند که رضایت زناشویی بالاتر با استرس فرزندپروری پایین تر و بهبود کارایی در نقش والدگری مرتبط است و والدگری ضعیف با اثرات قابل توجهی بر سلامت رفتاری و هیجانی فرزندان همراه است (اسدی، و همکاران، ۱۳۹۴). موفقیت و همدلی در روابط زناشویی، لیاقت و کارایی فرزندان را افزایش می دهد و خوشنودی والدین از رابطه زناشویی موفقیت در برآورده کردن انتظارات فرزندان نشان را به دنبال دارد (کجیاف، آقایی و کاویانی، ۱۳۸۳). روابط زناشویی رضایت بخش اساس عملکرد خوب خانواده است و علاوه بر تسهیل فرزندپروری، روابط فرزندان با یکدیگر و با والدین را بهبود می بخشد و باعث سلامت جسمانی و روانی، رشد شایستگی، توانایی سازگاری و انطباق در کودکان می شود (بهرامی احسان و اسلمی، ۱۳۸۸).

عملکرد والدین بر شکل گیری افکار، رفتار و هیجانات کودکان تأثیر دارد و باید ریشه بسیاری از اختلالات روانی را در پرورش اولیه خانواده جست وجو کرد. از میان اعضای خانواده، مادر اولین کسی است که کودک با او رابطه برقرار می کند، بنابراین مهمترین نقش را در پرورش ویژگی های روان شناختی و عاطفی کودک به عهده دارد. (نظری، کاکاوند و مشهدی فراهانی، ۱۳۹۴) اگر مادر از زندگی زناشویی خود رضایت نداشته و بهداشت روانی او در معرض خطر باشد، نمی تواند محیط روانی سالمی برای دیگر اعضای خانواده فراهم کند.

1. Slatcher, R. B., & Schoebi, D.

2. Kepler

3. Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R. D., & Gangamma, R.

4. Heiman, J. R., Long, J. S., Smith, S. N., Fisher, W. A., Sand, M. S., & Rosen, R. C.

5. Kamp Dush, C. M., Taylor, M. G., & Kroeger, R. A.

6. Whitson, S., & El-Sheikh, M.

7. Roberts, L. J.

در خانواده‌های ناراضی، شرایط برای شکوفایی و خلاقیت اعضا فراهم نمی‌شود و پس از والدین، فرزندان قربانی چنین فضای سرد و نامناسبی می‌شوند (جولایی، و همکاران، ۱۳۸۴).

سلامت رابطه زناشویی نه تنها بر زوجین اثرگذار است بلکه بر فرزندان نیز بسیار مؤثر است. رضایت زناشویی بالاتر بر کاهش مشکلات رفتاری فرزندان و افزایش تعامل فرزندان با همسالان در محیط مدرسه مؤثر است (اسدی، و همکاران، ۱۳۹۴) و میزان بالاتری از خودکارآمدی و توانایی بهتر برای مقابله با مشکلات و میزان پایین‌تری از اضطراب، افسردگی، پریشانی روانی و اختلالات روان‌شناختی (والتون و تاکوچی، ۲۰۱۰)، پرخاشگری و گوشه‌گیری فرزندان (اقدامی و حسین‌چاری، ۱۳۸۷) را به دنبال خواهد داشت. همچنین رضامندی زناشویی والدین مهمترین پیش‌بینی‌کننده خلاقیت کودکان بوده است (قدرتی، افروز، شریفی درآمدی و هومن، ۱۳۹۰) و بین رضایت زناشویی مادران با پیشرفت تحصیلی و موفقیت آموزشی فرزندان رابطه مثبت معنادار وجود دارد (دیباچی‌فروشان، امانی‌پور و محمودی، ۱۳۸۸؛ جولایی، و همکاران، ۱۳۸۴). در مقابل تأثیرات مثبت رضایت زناشویی و تعاملات مثبت زوجین بر اعضای خانواده براساس پژوهش‌های مختلف، بسیاری از مؤلفه‌های تهدیدکننده سلامت روان مانند افسردگی و اضطراب با عدم کارکرد سالم خانواده مرتبط است (ترودل و گلدفارب، ۲۰۱۰؛ ویتسون و آل‌شیک، ۲۰۰۳؛ ارفایی، محمدی و سهرابی، ۲۰۱۳).

آشفته‌گی زناشویی در جنبه‌های متعددی از روابط زناشویی مانند ارتباط عاطفی، حل مسئله، پرخاشگری، زمان با هم بودن، مسائل مالی، مسائل جنسی، جهت‌گیری نقش، رضایت از فرزند و تربیت فرزند اختلال ایجاد می‌کند (حسینیان، حسینی، شفیعی‌نیا و قاسم‌زاده، ۱۳۸۷) و می‌تواند به توانایی زن و شوهر برای برقراری روابط رضایت‌بخش با سایر اشخاص خارج از خانواده نیز آسیب برساند (وینچ، ۱۹۷۴). به نقل از نادری، حیدری و حسین‌زاده ملکی، (۱۳۸۸). تعارضات زناشویی بر سلامت جسمی و روانی زوجین تأثیر منفی دارد (الیسون، واکر، گلن، مارکوارت، ۲۰۱۱؛ لاندبلاد و هانسون، ۲۰۰۵؛ روبلز و کیکولت-گلاسر، ۲۰۰۳؛ بریانت، کانگر و میهان، ۲۰۰۸). آشفته‌گی و تعارض زناشویی موجب کاهش

1. Walton, E., & Takeuchi, D. T.
2. Trudel, G., & Goldfarb, M. R.
3. Whitson, S., & El-Sheikh, M.
4. Arfaie, A., Mohammadi, A., & Sohrabi, R.
5. Ellison, C. G., Walker, A. B., Glenn, N. D., & Marquardt, E.
6. Lundblad, A. M., & Hansson, K.
7. Robles, T. F., & Kiecolt-Glaser, J. K.
8. Bryant, C. M., Conger, R. D., & Meehan, J. M.

شادمانی، رضایتمندی از زندگی، عزت نفس و سلامت روانی و افزایش آسفتگی روانی می شود (هاوکینز و بوت، ۲۰۰۵). همچنین دل بستگی های مسئله ساز برای همسران (هاوکینز و بوت، ۲۰۰۵؛ فینچام<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳)، افسردگی (کرمی، زکی بی، علی خانی و خدادادی، ۱۳۹۱؛ کویی، و همکاران، ۱۹۹۳<sup>۳</sup>، افزایش استرس و اضطراب (کرمی، و همکاران، ۱۳۹۱) و مشکلات شغلی (مارکمن و لانگ، ۱۹۹۳<sup>۴</sup>) را به دنبال دارد. ناسازگاری زناشویی نیز با افسردگی بیشتر و رضایت از زندگی کمتر و عزت نفس پایین تر ارتباط دارد (ونتو و کوب، ۲۰۱۱<sup>۵</sup>؛ الکرناوی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). بر اساس پژوهش ها، نارضایتی زناشویی نیز سلامت جسمانی و روانی زوجین را به خطر می اندازد. بیماری های زنان به طور مستقیم از استرس های زناشویی ناشی می شود (گاتمن، ۱۹۹۳ به نقل از موسوی، ۱۳۹۱) و سطوح پایین رضایتمندی زناشویی موجب آسفتگی جسمانی شده است (لی و فانگ، ۲۰۱۱<sup>۷</sup>) و با انواع پیامدهای آسیب زا مانند بروز مشکلات متعدد روانی (نارگیسو، و همکاران، ۲۰۱۲<sup>۸</sup>)، اضطراب (کوهی، و همکاران، ۱۳۹۳؛ لی و فانگ، ۲۰۱۱) و افسردگی بالاتر (لی و فانگ، ۲۰۱۱) همراه است. علاوه بر این، نارضایتی و سرخوردگی از رابطه همسری، پیمان شکنی را به دنبال دارد (لانگ و یانگ، ۲۰۰۷، به نقل از محسن زاده، و همکاران، ۱۳۹۳).

کیفیت رابطه زناشویی علاوه بر زوجین، فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. هرچه رضایت زناشویی و در نتیجه سلامت روانی مادران در زندگی خانوادگی بیشتر باشد، فرزندان مشکلات عاطفی و رفتاری کمتری دارند و در مقابل هرچه مادران از زندگی خانوادگی خود رضایت کمتری داشته باشند، سلامت روانی پایین تری دارند و در نتیجه مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان ارتباط مستقیمی با رضایت زناشویی و سلامت روانی مادران دارد. (به پژوه و موسوی، ۱۳۹۳) کیفیت رضایت زناشویی بر روابط والد- کودک تأثیر می گذارد و پیش بینی کننده خوبی برای مشکلات و اختلالات رفتاری کودکان است (شاکریان، ابراهیمی، فاطمی و دانایی، ۱۳۹۱؛ رضوی، محمودی و رحیمی، ۱۳۸۷؛ احدی و به پژوه، ۱۳۸۳؛ کجباغ، و همکاران، ۱۳۸۳). نارضایتی زناشویی مادران بر افسردگی (ملا باقری، جلال منش و زراعتی، ۱۳۸۵) و عدم موفقیت تحصیلی فرزندان مؤثر است (جولایی،

1. Hawkins, D. N., & Booth, A.
2. Fincham, F. D.
3. Coie, J. D., & et al
4. Markman, H. J., & Long, B.
5. Vento, P. W. P. D., & Cobb, R. J.
6. Al-Krenawi, A.
7. Li, T., & Fung, H. H.
8. Nargiso, J. E.



و همکاران، ۱۳۸۴). رفتارهای والدین در شرایط عدم رضایت زناشویی و هنگام بروز مشاجره‌های خانوادگی بر رفتار کودکان تأثیر نامطلوب می‌گذارد (به پژوه و موسوی، ۱۳۹۳). بسیاری از کودکان ممکن است با مشاهده تعارضات مزمن و شدید خانوادگی دچار برخی ویژگی‌های شخصیتی شوند که پیش‌بینی‌کننده کیفیت نامطلوب ارتباطات بزرگسالی آنهاست (حسینیان، و همکاران، ۱۳۸۷). خشونت‌های زناشویی با مشکلات عاطفی و رفتاری فرزندان رابطه دارد (جرارد، کریشانا کومار و بوهلر، ۲۰۰۶؛ دیویس، و همکاران، ۲۰۰۲) و ناسازگاری زناشویی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان و نوجوانان است (ال شیک، و همکاران، ۲۰۰۹؛ فرمن و دیویس، ۲۰۰۵).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تعارض والدین، کودکان را دچار استرس، ترس و خشم می‌کند و در صورت تداوم باعث مشکلات رفتاری می‌شود. (کامینگ و دیویس، ۲۰۰۲) تعارضات زناشویی بر بیشتر حوزه‌ها مانند سلامت جسمانی فرزندان (قره‌باغی، آگیلار و وفایی، ۱۳۸۸؛ ال شیک، و همکاران، ۲۰۰۱)، سلامت روانی - اجتماعی (خواجه‌نوری و دهقانی، ۱۳۹۵؛ قره‌باغی، آگیلار و وفایی، ۱۳۸۸)، کارکرد شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی (الیس و گاربر، ۲۰۰۲)، رابطه کودک با همسالان (الیاسی و منتظرالمهدی، ۱۳۹۵؛ دان و دیویس، ۲۰۰۱)، تأثیر منفی دارد. کشمکش‌ها و تعارضات زناشویی پیش‌بینی‌کننده مشکلات عزت نفس (قره‌باغی، آگیلار و وفایی، ۱۳۸۸؛ نیکولوتی، ال شیک و ویتسون، ۲۰۰۳)، اضطراب (فلاهرتی و مسترز، ۲۰۰۰)، افسردگی (کجیاف، و همکاران، ۱۳۸۳؛ فلاهرتی و مسترز، ۲۰۰۰)، ناسازگاری (بشردوست، ۱۳۸۴؛ دیویس، استورج ایل، وینتر، کامینگ و فارل، ۲۰۰۶؛ فینچام، ۲۰۰۳)، احساس تنهایی و ناامیدی (نشان اسکندری و خوش‌نویس، ۱۳۹۶)، نارضایتی از زندگی (فانی و فانی، ۱۳۹۴) و رفتارهای تعارضی فرزندان در روابط زناشویی‌شان (سو، مینچام و پازلی، ۲۰۰۸) است. علاوه بر این اختلافات زناشویی، بروز مشکلات درسی و کاهش تحصیلی را به دنبال دارد (الیاسی و منتظرالمهدی، ۱۳۹۵؛ کجیاف، و همکاران، ۱۳۸۳؛ الیس و گاربر، ۲۰۰۰).

با وجود پژوهش‌های متعدد در زمینه تأثیرات رضایت زناشویی، تعارض، ناسازگاری، نارضایتی و کاهش کیفیت تعاملات زناشویی بر زوجین و فرزندان در زمینه آرامش در زندگی

1. Gerard, J. M., Krishnakumar, A., & Buehler, C.
2. Forman, E. M., & Davies, P. T.
3. Ellis, B. J., & Garber, J.
4. Dunn, J., & Davies, L.
5. Nicolotti, L., El-Sheikh, M., & Whitson, S. M.
6. Flaherty, E. M., & Masters Glidden, L.
7. Davies, P. T., Sturge-Apple, M. L., Winter, M. A., Cummings, E. M., & Farrell, D.
8. Cui, M., Fincham, F. D., & Pasley, B. K.
9. Ellis, B. J., & Garber, J.

زناشویی نیز پژوهش‌های محدودی انجام شده است. ایپکچی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی احکام آرامش بخش قرآن در حیطه نظام خانواده، احکام قرآن در حیطه نظام خانواده با روش اسنادی و تحلیلی بررسی نموده است. هداوندی (۱۳۸۶) در بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد آرامش در خانواده و رضایت از زندگی خانوادگی عوامل مؤثر بر ایجاد آرامش و کسب رضایت در زندگی خانوادگی را با استفاده از روش کتابخانه‌ای بیان کرده است. بررسی مطالعات پیشین در زمینه آرامش در زندگی زناشویی نشان می‌دهد که پژوهش میدانی در این زمینه صورت نگرفته است. از این رو، پژوهش حاضر در راستای ابعاد مختلف مسئله اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی به دنبال یافتن پیامدهای اختلال در آرامش با استفاده از روش کیفی است.

## ۲. روش اجرای پژوهش

### ۲-۱. روش پژوهش

اساسی‌ترین ویژگی تحقیق کیفی تعمد صریح آن نسبت به نگریستن به رویدادها، کنش‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و غیره از دیدگاه شرکت‌کنندگان است (برایمن، ۱۳۸۹) و به این نکته توجه دارد که به دلیل تفاوت دیدگاه‌های ذهنی و پس‌زمینه‌های اجتماعی مرتبط با آن دیدگاه‌ها و اعمال متفاوتی در میدان وجود دارد (فلیک، ۱۳۸۷). روش تحلیل محتوای کیفی نیز برای این فرض استوار است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها و شیوه‌های درک جهان دست یافت (ویلیکینسون و برمینگهام، ۲۰۰۳، به نقل از تبریزی، ۱۳۹۲). بر این اساس، مطالعه حاضر نیز که به دنبال یافتن پیامدهای اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی است برای فهم تجربه زنان از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده کرده است.

برای تحلیل داده‌ها از رویکرد تحلیل محتوا و شیوه پیشنهادی گرانهایم و لوندمان<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) شامل پنج مرحله استفاده شد. در مرحله اول متن هر مصاحبه مکتوب، سپس متن مصاحبه برای رسیدن به درکی کلی از محتوای آن مطالعه شد. در مرحله سوم کدهای اولیه استخراج و پس از آن با ادغام کدها بر اساس شباهت‌ها، کدهای مشابه در قالب طبقات

1. Graneheim, U. H., & Lundman, B.

جامع‌تری با عنوان مقوله دسته‌بندی شد. در آخرین مرحله نیز محتوای نهفته در داده‌ها با عنوان درون‌مایه استخراج گردید.

## ۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه هدف پژوهش حاضر زنان متأهل بودند که در زمان انجام پژوهش با همسرشان زندگی می‌کردند. انتخاب افراد به روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن بیشترین تنوع براساس ویژگی‌هایی مانند سن، تحصیلات، طبقه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت اشتغال، سن ازدواج، مدت زندگی زناشویی، تعداد فرزند و وضعیت خانواده اصلی صورت گرفته است و با شصت نفر از زنان براساس ملاک رسیدن به اشباع داده، یعنی تکراری شدن مقولات و حاصل نشدن مقوله جدید، مصاحبه شده است. مدت زندگی مشترک زنان مورد مطالعه بین ۱ تا ۵۴ سال و میانگین آن ۱۸ سال بود و به طور میانگین ۲ فرزند داشته‌اند. سن زنان بین ۲۳ تا ۷۲ سال و میانگین سنی آنها ۳۹ سال و سن همسرانشان بین ۲۵ تا ۷۸ سال و میانگین سنی آنها ۴۴ سال بوده است. سطح تحصیلات زنان و همسرانشان از زیر دیپلم تا دکترا بوده است. بیش از نیمی از زنان و همسرانشان تحصیلات لیسانس و بالاتر داشته‌اند. نیمی از جمعیت زنان مورد مطالعه را زنان خانه‌دار و نیمی را زنان شاغل تشکیل داده است. بیشتر همسران زنان مورد مطالعه شاغل و فقط پنج نفر بازنشسته و دو نفر بیکار بودند.

## ۲-۳. ابزار پژوهش

گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق با زنان انجام شد. مصاحبه‌ها براساس تمایل شرکت‌کنندگان در مکان‌های مختلف مانند منزل، محل کار، محل تحصیل و پارک انجام شد و مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۱۵۰ دقیقه بود. انجام مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع داده یعنی، تکراری شدن مقولات و حاصل نشدن مقوله جدید ادامه یافت.

## ۳. یافته‌های پژوهش

زنان در مصاحبه‌ها تعابیر متنوعی را در تعریف احساس آرامش در زندگی زناشویی بیان کرده‌اند. نداشتن تنش، راحتی اعصاب و غصه‌نداشتن، اطمینان خاطر با وجود مشکلات و ثبات و امنیت خاطر از جمله تعابیر زنان در تعریف آرامش بوده است. زنان در بیان

تجربه خود از احساس آرامش در زندگی زناشویی به عوامل ایجادکننده اختلال در آرامش، راهبردهای خود در مواجهه با آن و پیامدهای اختلال در احساس آرامش اشاره کرده‌اند.

## جدول ۱

### پیامدهای اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی

درون مایه	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها
بحران و تزلزل خانواده		مواجهه زن با مشکلات و فشارهای روحی و جسمی؛ اختلال در رشد و موفقیت زن؛ تعامل نامطلوب زن با همسر؛ تعامل نامطلوب زن با فرزندان؛ تربیت ناموفق فرزندان؛ عدم تمایل به ادامه زندگی زناشویی؛ نگرانی حاصل از بی‌ثباتی زندگی زناشویی؛ تصمیم برای فرزنددار نشدن؛ انتخاب طلاق
		مسکین‌های معنوی؛ دیگران تسکین بخش
		روبرو شدن همسر با مشکلات روحی و جسمی
		روبرو شدن فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری؛ اختلال در موفقیت فرزندان
		اختلال در تعاملات اجتماعی؛ از دست دادن مقبولیت اجتماعی
	جایگزین یابی برای آرامش مفقود	
	روبرو شدن همسر با بحران و تزلزل	
	روبرو شدن فرزندان با بحران و تزلزل	
	تعاملات بیرون خانوادگی نامطلوب	

پیامدهای اختلال در احساس آرامش در پنج گروه دسته‌بندی شد که مقولات به همراه زیرمقوله‌ها در جدول ۱ بیان شده است که عبارتند از:

### ۱-۳. روبرو شدن زنان با بحران و تزلزل

روبرویی زن با بحران و تزلزل بیانگر آثار و نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی برای آنهاست.

### ۱-۱-۳. روبرو شدن زن با فشارهای جسمی و روحی

روبرویی زن با مشکلات و فشارهای روحی و جسمی یکی از نتایج مهم اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی است که شکل‌های مختلفی دارد.

ابتلا به افسردگی از مشکلاتی است که در مواردی باعث آرزوی مرگ و اندیشیدن به خودکشی شده است:

این قدر رفتارهای مادر شوهرم بد و اذیت‌کننده است که بعضی وقتا آرزو می‌کنم ای کاش نبودم. بعضی وقت‌ها حالم این قدر بد است که آرزوی مرگ می‌کنم. در دوره‌ای که خیلی داغون شده بودم فقط منتظر فرصتی بودم که خودم را نابود کنم.

(خانم ۲۹ ساله با ۴ سال زندگی مشترک)

یکی دیگر از مشکلات روحی زنان ضعف عصبی است: «اعصابم خیلی ضعیف شده است. با کوچک‌ترین حرف و حرکتی ناراحت و برآشفته می‌شوم. درحالی‌که اوایل این‌طور نبودم». (خانم ۲۹ ساله با ۷ سال زندگی مشترک) زنان از دست دادن نشاط و انرژی گذشته، احساس تباه شدن عمر و زندگی، ضعف روحی و اضطراب شدید را نیز از پیامدهای اختلال در آرامش در زندگی زناشویی بیان کرده‌اند: «نگرانم، خیلی اضطراب دارم، تلاطم فکری دائم دارم، مدام با خودم کلنجار می‌روم» (خانم ۴۴ ساله با ۲۲ سال زندگی مشترک). علاوه بر این، احساس حقارت، از دست دادن اعتماد به نفس و انزوا و گوشه‌گیری نیز از پیامدهای اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی بوده است. زنان همچنین از روبرویی با مشکلات و بیماری‌های جسمی مختلف سخن گفته‌اند: «روزبه‌روز بیماری‌های جدید سراغم می‌آید، الان ناراحتی قلبی دارم، همیشه به دلیل مشکلات رابطه‌مان روی اعصابم هست» (خانم ۴۰ ساله با ۶ سال زندگی مشترک).

### ۳-۱-۲. اختلال در رشد و موفقیت زن

از دیگر نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی اختلال در رشد و موفقیت است. زنان رضایت در ابعاد زندگی را در گرو آرامش در زندگی زناشویی دانسته‌اند و اختلال در رشد و موفقیت در دیگر عرصه‌های زندگی را از تبعات اختلال در آرامش در زندگی زناشویی بیان کرده‌اند که مصادیق مختلفی دارد. اختلال در پیشرفت برنامه‌های شخصی از جمله تحصیل یکی از این مصادیق است. عدم تمرکز حواس در انجام وظایف شغلی و کارهای روزمره از دیگر مصادیق اختلال در رشد و موفقیت زنان است: «انسان وقتی آرامش ندارد و روح و روانش خراب است کارهایش نیز خراب می‌شود. خود من وقتی اعصابم از خانه و زندگی خراب است سر کار حواسم پرت است و اشتباه می‌کنم» (خانم ۴۲ ساله با ۲۸ سال زندگی مشترک).

برخی زنان نیز به تعویق انداختن برنامه‌های مهم زندگی مانند فرزندآوری، ادامه تحصیل و تباه شدن فرصت‌ها را از نتایج اختلال در آرامش در زندگی زناشویی بیان کرده‌اند. زنان همچنین به عدم رشد معنوی اشاره کرده‌اند: «الان بعد از گذشت هشت سال به طور کامل احساس می‌کنم که از نظر معنوی پایین‌تر از دوران مجردی هستم که آن هم به خاطر نوع زندگی و تنش‌ها و مشکلاتی هست که از بعد از ازدواج داشته‌ام» (خانم ۳۳ ساله با ۸ سال زندگی مشترک).

### ۳-۱-۳. تعامل نامطلوب زن با همسر

از دیگر نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی تعامل نامطلوب زن با همسر است که نمودهای مختلفی دارد. پرخاشگری و بدرفتاری در تعامل با همسریکی از این نمودها بوده است: «وقتی اعصاب ندارم طوری می‌خواهم عصبانیتم را ابراز کنم که یک دفعه می‌پریم به شوهرم و سر کوچک‌ترین چیزی گیر می‌دهم و بهانه می‌گیرم» (خانم ۴۵ ساله با ۲۷ سال زندگی مشترک). عدم تبعیت از خواسته‌های همسر و عدم تمایل به رابطه جنسی از دیگر مظاهر تعامل نامطلوب زن با همسر بوده است:

به دلیل رفتارها و حرکاتی که از او دیده‌ام نسبت به او خیلی سرد و خسته شده‌ام. برای همین راضی به رابطه نیستم و چون مجبورم به خاطر او تن می‌دهم. خیلی مرا آزرده کرده است. وقتی به سمتم می‌آید، می‌خواهم از درون جیغ بکشم. (خانم ۲۹ ساله با ۵ سال زندگی مشترک)

### ۳-۱-۴. تعامل نامطلوب زن با فرزندان

از دیگر نتایج اختلال در آرامش زنان در زندگی زناشویی تعامل نامطلوب زن با فرزندان است که به شکل‌های مختلفی تجربه شده است. بی‌حوصلگی در تعامل با فرزند و برخورد پرخاشگرانه یکی از شکل‌های تعامل نامطلوب زن با فرزندان است:

یک زن بخش‌های مختلف زندگی‌اش قابل تفکیک نیست. برای همین وقتی در زندگی آرامش ندارد چیزهای دیگرش هم نابود است. من وقتی هستم که در زندگی‌ام تلاطم بوده است مادر خوبی نبوده‌ام، حوصله نداشته‌ام برای بچه وقت بگذارم، غرغر می‌کردم و زمان‌هایی هم عصبانیتم را با داد و فریاد سر بچه خالی می‌کردم. (خانم ۳۵ ساله با ۱۶ سال زندگی مشترک)

در برخی موارد نیز زنان به تنبیه نابه‌جا و خشونت‌آمیز فرزند در اثراختلال در آرامش اشاره کرده‌اند.

### ۳-۱-۵. تربیت ناموفق فرزندان

تربیت ناموفق فرزندان نیز از نتایج اختلال در آرامش در زندگی زناشویی است. فشارهای روحی و عصبی و درگیری ذهنی زن مانع آرامش فکری لازم برای رسیدگی به امور فرزندان بیان شده است: «فشارهای روحی و عصبی باعث می‌شد که نتوانم از نظر فکری آرامش داشته

باشم و راحت به بچه‌هایم رسیدگی و حتی محبت کنم؛ زیرا همیشه درگیر بوده‌ام» (خانم ۵۲ ساله با ۳۱ سال زندگی مشترک).

### ۳-۱-۶. عدم تمایل به ادامه زندگی زناشویی

از نتایج اصلی اختلال در احساس آرامش عدم تمایل به ادامه زندگی زناشویی است که به شکل‌های مختلف توسط زنان بیان شده است. خستگی و بریدن از ادامه زندگی یکی از مظاهر عدم تمایل به ادامه زندگی زناشویی بوده است. بی‌نتیجه دانستن زندگی زناشویی از دیگر موارد بیان شده توسط زنان بوده است. برخی زنان نیز دچار سردی و بی‌تفاوتی نسبت به همسر شده‌اند. گاهی نیز سردی زن نسبت به همسر از بی‌تفاوتی فراتر رفته و به نفرت تبدیل شده است:

این‌قدر مرا شکنجه روحی داده است که دیگر هیچ چیز برایم مهم نیست. سرتاپای مرا غرق جواهر کند برایم مهم نیست. هر روز هم مرا با سیخ داغ بسوزاند، برایم مهم نیست. دیگر هیچ کاری با او ندارم و هیچ نیازی به او ندارم. (خانم ۵۶ ساله با ۳۷ سال زندگی مشترک)

### ۳-۱-۷. نگرانی نسبت به ثبات زندگی زناشویی

از نتایج مهم اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی نگرانی نسبت به ثبات زندگی زناشویی است. زنانی که در زندگی زناشویی مشکلات جدی داشته‌اند نسبت به ثبات و پایداری زندگی ابراز نگرانی کرده‌اند و آن را مانع آرامش خود دانسته‌اند: «وقتی به خاطر مشکلاتی که با هم داریم دغدغه آدم این می‌شود که این زندگی چه می‌شود، آیا از هم می‌پاشد یا نه، نمی‌توانم آرامش داشته باشم» (خانم ۳۰ ساله با ۷ سال زندگی مشترک).

### ۳-۱-۸. تصمیم برای فرزنددار نشدن

از دیگر نتایج اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی تصمیم برای فرزنددار نشدن است. برخی زنان به دلیل عدم احساس امنیت و آرامش در زندگی زناشویی نداشتن فرزند را برگزیده‌اند: همسرم خیلی دوست دارد یک بچه دیگر داشته باشیم، اما من موافق نیستم و نمی‌خواهم بچه دیگری داشته باشیم؛ زیرا احساس امنیت نمی‌کنم و با وضعی که زندگی ما دارد همین یک بچه را بتوانیم به سرانجام برسانیم خیلی خوب است. (خانم ۳۴ ساله با ۱۱ سال زندگی مشترک)

### ۳-۱-۹. انتخاب طلاق

اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی در برخی موارد باعث انتخاب طلاق شده است: «دیگر خسته شدم، بریدم، تقاضای طلاق دادم، اما طلاق نمی‌دهد. مهریه‌ام را بخشیدم که طلاقم دهد، قبل از اینکه دخترم به دنیا بیاید تقاضای طلاق کردم، هنوز هم دارم تقاضا می‌کنم، الان دخترم هفده سالش است» (خانم ۵۶ ساله با ۳۷ سال زندگی مشترک).

### ۳-۲. جایگزین یابی برای آرامش مفقود

جایگزین یابی برای آرامش مفقود بیانگریکی از آثار اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی است که از روی آوردن زنان به روابطی جایگزین با هدف پر کردن خلأ ناشی از اختلال در آرامش در زندگی زناشویی حکایت دارد.

### ۳-۲-۱. مسکن‌های معنوی

یکی از انواع جایگزین‌های انتخاب شده توسط زنان، مسکن‌های معنوی است. زنان در روبرویی با اختلال در آرامش در زندگی زناشویی از ارتباط با خدا و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام متناسب با شرایط خود به شیوه‌های مختلف برای کسب آرامش بهره برده‌اند. آرامش حاصل از یاد خدا به زنان برای تحمل مشکلات نیز کمک کرده است.

اعصابم ناراحت است. دو رکعت نماز می‌خوانم، راحت می‌شوم. انسان باید به صورتی خودش را خالی کند. می‌روم جلسه روضه امام حسین علیه‌السلام یا لهورف می‌خوانم برای خودم و گریه می‌کنم، سبک می‌شوم. وقتی زندگی خیلی فشار می‌آورد غسل صبر می‌کنم. یاد خدا به آدم آرامش می‌دهد و کمک می‌کند آدم تحمل کند. (خانم ۵۳ ساله با ۳۹ سال زندگی مشترک)

### ۳-۲-۲. دیگران تسکین بخش

دیگران تسکین بخش بیان‌گر جایگزین دیگر زنان در روبرویی با اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی است. زنان برای کسب آرامش به ارتباط با دیگران روی آورده‌اند. این دیگران در مواردی اعضای خانواده زن شامل پدر، مادر، خواهر، برادر و فرزند بوده‌اند: «خلأ عاطفی‌ام را خانواده‌ام پر کرده‌اند، درد دل با برادر و زن برادرم. خواهر بزرگم هم خیلی کمکم می‌کند و حکم مادر را برایم دارد» (خانم ۴۱ ساله با ۱۲ سال زندگی مشترک). در مواردی نیز زنان ارتباط با دوستان،



اقوام و همسایگان را برگزیده‌اند. در برخی موارد نیز زن روابط خارج از چهارچوب خانواده را به‌عنوان جایگزینی برای آرامش مفقود انتخاب کرده است و در روبرویی با اختلال در آرامش در زندگی زناشویی با هدف پرکردن خلأهای خود در ارتباط با همسرش به یک مرد دیگر پناه برده است.

### ۳-۳. روبرویی همسر با بحران و تزلزل

روبرویی همسر با بحران و تزلزل بیانگر آثار و نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی برای همسر است. روبرویی زن با فشارهای روحی به دلیل اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی موجب روبرویی همسر با مشکلات روحی و جسمی نیز شده است: شوهرم از احساس ناراحتی من از رفتارهای مادرش ناراحت می‌شود. برای مثال وقتی اختلاف من و مادرش اوج گرفت و حالم خیلی بد شده بود، دیدم شوهرم هم حالش خیلی بد است، اشتها ندارد، معده‌اش به هم ریخته است، سردردهای عجیب گرفته است؛ یعنی اثرش را مستقیم در جسمش دیدم. دیگر چه برسد به روحش. حرف نمی‌زد و ناراحت بود. (خانم ۲۹ ساله با ۴ سال زندگی مشترک)

### ۳-۴. روبرویی فرزندان با بحران و تزلزل

#### ۳-۴-۱. روبرو شدن فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری

روبرویی فرزندان با بحران و تزلزل بیانگر آثار و تبعات اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی برای فرزندان است. یکی از نتایج اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی روبرویی فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری مختلف مانند روبرویی فرزندان با فشار روانی، حساسیت عصبی فرزندان نسبت به تعاملات والدین به دلیل فضای پرتنش تعاملات آنها و پرخاشگری فرزندان است: «دعواهایمان روی لحن حرف زدن و رفتار دخترم خیلی اثر گذاشته و پرخاشگر شده است» (خانم ۳۳ ساله با ۸ سال زندگی مشترک). احساس ناامنی فرزندان درون خانواده و پناه جویی در خارج از خانواده از دیگر مشکلات روحی است که فرزندان با آن روبرو هستند: «دخترم در خانه احساس آرامش و امنیت ندارد و همیشه دنبال این است که به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگش برود و به آنها پناه ببرد» (خانم ۳۳ ساله با ۸ سال زندگی مشترک). این احساس ناامنی در مواردی به اضطراب دائمی فرزند تبدیل شده است: «دخترم در رابطه ما خیلی لطمه

دید. شوهرم جلوی او مرا می زد و وحشی گری درمی آورد. دخترم الان خیلی مضطرب و ناراحت است» (خانم ۴۱ ساله با ۱۲ سال زندگی مشترک). انزوای فرزندان و کناره گیری از والدین نیز از نتایج تنش در روابط همسران و اختلال در آرامش در خانواده است: «بچه هایم منزوی شده اند، همیشه در اتاق خودشان هستند، از من و پدرشان فرار می کنند، از بحث کردن ما می ترسند» (خانم ۵۶ ساله با ۳۷ سال زندگی مشترک).

### ۳-۴-۲. عدم موفقیت فرزندان

عدم موفقیت فرزندان در عرصه های مختلف زندگی از دیگر نتایج اختلال در آرامش در خانواده است. عدم موفقیت در تحصیل و به دنبال آن اشتغال یکی از این عرصه ها بوده است: «پسرم به خاطر مشکلات ما خیلی خسارت دید. دانشجو بود، درسش را نیمه کاره رها کرد. الان هم کار درستی ندارد و نمی تواند ازدواج کند» (خانم ۵۲ ساله با ۳۱ سال زندگی مشترک). در برخی موارد نیز ترک تحصیل در مقاطع پایین تحصیلی صورت گرفته است: «به دلیل مشکلات ما پسرم خیلی مشکل پیدا کرده است. الان مدتی است که مدرسه نمی رود. البته پدرش نمی داند. دخترم هم اول دبیرستان درسش را ول کرد» (خانم ۳۵ ساله با ۱۹ سال زندگی مشترک).

### ۳-۵. تعاملات برون خانوادگی نامطلوب

#### ۳-۵-۱. اختلال در تعاملات اجتماعی

تعاملات برون خانوادگی نامطلوب بیانگر آثار و نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی در زمینه تعاملات اجتماعی خانواده است. اختلال در آرامش زنان در زندگی زناشویی باعث اختلال در تعاملات اجتماعی آنها شده است. اختلال در تعامل با خانواده یکی از پیامدهای اختلال در احساس آرامش است:

وقتی آرامش نداری با خانواده خودت هم که معاشرت می کنی ناراحتی؛ زیرا انسان وقتی ازدواج می کند مهمترین چیز برایش رابطه با همسرش است. وقتی این به هم بریزد انسان دیگه حوصله هیچ چیزی را ندارد» (خانم ۲۸ ساله با ۳ سال زندگی مشترک).

حضور در جمع به تنهایی و بدون همسر و کاهش ارتباط دیگران با زن به دلیل انزوای او نیز از نتایج اختلال در آرامش در زندگی زناشویی است.

### ۳-۵-۲. از دست دادن مقبولیت اجتماعی

از دست دادن مقبولیت اجتماعی از دیگر نتایج اختلال در احساس آرامش زنان در زندگی زناشویی است. برخی زنان مطرح کردن مشکلات زندگی زناشویی نزد دیگران را موجب نگاه نامطلوب دیگران به زن به عنوان فردی بدبخت با زندگی آشفته بیان کرده‌اند و معتقدند این مسئله باعث کاهش بیشتر آرامش می‌شود:

چیزی که تجربه کردم این است که وقتی آدم در جمعی از دهنش درمی‌رود و مشکلات زندگیش را می‌گوید، نگاه دیگران به زندگی آدم منفی می‌شود و خود اینکه دیگران به عنوان یک فرد بدبخت و مشکل‌دار به آدم نگاه می‌کنند و این خود آرامش انسان را کمتر می‌کند. (خانم ۲۹ ساله با ۴ سال زندگی مشترک)

### ۴. بحث و نتیجه‌گیری

در زمینه آرامش در زندگی زناشویی پژوهش میدانی صورت نگرفته است، اما یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج سایر پژوهش‌ها در زمینه روابط زناشویی هم‌سو است. یکی از پیامدهای اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی روبرویی با مشکلات و فشارهای روحی و جسمی بوده است. الیسون و همکاران (۲۰۱۱)، لاندبلاد و هانسون (۲۰۰۵)، روبلز و کیکولت - گلاس (۲۰۰۳) و بریانت و همکاران (۲۰۰۱) معتقدند که سلامت روانی و جسمانی هر دو با وضعیت زندگی زناشویی ارتباط دارند و تعارضات زناشویی بر سلامت جسمی و روانی زوجین تأثیر منفی دارد. یافته‌های نارگیسو و همکاران (۲۰۱۲) نیز نشان داد که نارضایتی و سرخوردگی از رابطه همسری با بروز انواع پیامدهای آسیب‌زا مانند بروز مشکلات متعدد روانی همراه است. لی و فانگ (۲۰۱۱) رضایت زناشویی پایین را با افسردگی بالاتر و اضطراب و آشفتگی جسمانی همراه دانسته‌اند. ونتو و کب (۲۰۱۱) و الکرناوی (۲۰۱۲) و هاوکینز و بوت (۲۰۰۵) نیز ناسازگاری، آشفتگی و تعارض زناشویی را موجب کاهش شادمانی، کاهش رضایتمندی از زندگی، کاهش عزت نفس و افزایش نشانه‌های آشفتگی و روان‌شناختی بیان کرده‌اند. پژوهش کوهی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد بین سرخوردگی زناشویی و سلامت روانی در عامل اضطراب رابطه مثبت معناداری وجود دارد. کرمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز تعارضات زناشویی را عامل افزایش استرس، اضطراب و افسردگی در بین همسران بیان کرده‌اند.

از دیگر پیامدهای اختلال در احساس آرامش تعامل نامطلوب زن با همسر است. لی و فانگ (۲۰۱۱) نیز معتقدند سطوح پایین رضایتمندی زناشویی می‌تواند به دلیل رابطه آسیب‌زا باشد و باعث کاهش ارتباط، فقدان صمیمیت و طلاق شود. روبرویی فرزندان با مشکلات روحی و رفتاری و اختلال در موفقیت فرزندان در عرصه‌های مختلف زندگی از پیامدهای دیگر اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی است که هم‌سو با یافته‌های پژوهش‌های پیشین است. براساس یافته‌های خواجه‌نوری و دهقانی (۱۳۹۵) و قره‌باغی و وفایی (۱۳۸۸) بین تعارضات والدین و سلامت جسمانی و روانی - اجتماعی کودکان رابطه معکوس وجود دارد. ال‌شیک و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) و فرمن و دیویس<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) ناسازگاری زناشویی را بهترین پیش‌بینی‌کننده برای مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان و نوجوانان بیان کرده‌اند. پژوهش کجباف و همکاران (۱۳۸۳) نیز نشان داد بین رضایت زناشویی والدین و بروز اختلالات رفتاری دختران رابطه معنادار است. ملباقری و همکاران (۱۳۸۵) دریافتند که بین میزان رضایت زناشویی مادران و افسردگی نوجوانان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یافته‌های بشردوست (۱۳۸۴)، دیویس و همکاران (۲۰۰۶) و فینچام (۲۰۰۳) از رابطه معنادار بین تعارضات زناشویی با ناسازگاری فرزندان حکایت دارد. براساس پژوهش فانی و فانی (۱۳۹۴) تعارضات زناشویی والدین رابطه معکوس معنادار با رضایت از زندگی فرزندان دارد. یافته‌های کوئی و همکاران (۲۰۰۸) نیز نشان داد که تعارضات زناشویی با رفتارهای تعارضی فرزندان در روابط زناشویی همبستگی مثبت دارد.

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان دهنده هم‌سویی یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات قبلی است. به برخی پیامدها مانند اختلال در رشد و موفقیت زن، تصمیم برای فرزنددارنشدن، جایگزین‌یابی برای آرامش مفقود، روابط خارج از چهارچوب خانواده، اختلال در تعاملات اجتماعی و ازدست‌دادن مقبولیت اجتماعی نیز در مطالعات قبلی چندان اشاره نشده است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به آنها توجه شود. دقت در یافته‌ها از تفاوت‌ها براساس سن زنان مورد مطالعه حکایت دارد. براین مبنا می‌توان بین زنان تمایزات نسلی در نظر گرفت. بر پایه رویکرد نسل تاریخی مانهایم<sup>۳</sup> و با

1. El-Sheikh, M., & et al

2. Forman, E. M., & Davies, P. T.

3. Mannheim

در نظر گرفتن انقلاب اسلامی به عنوان واقعه تاریخی مهم و در حکم حادثه نسل ساز، در پژوهش حاضر براساس یکی از تقسیم بندی های نسلی (جیت ساز قمی، ۱۳۸۶) که متولدین دهه ده و بیست را نسل بنیان گذاران انقلاب، متولدین دهه سی و چهل را نسل انقلاب و جنگ، متولدین دهه پنجاه و شصت را نسل سوم انقلاب و متولدین دهه هفتاد و هشتاد را نسل چهارم انقلاب در نظر گرفته، نسل بنیان گذاران انقلاب و نسل انقلاب و جنگ به عنوان نسل قدیم و نسل سوم و چهارم انقلاب به عنوان نسل جدید در نظر گرفته شده است. بر این مبنا بین نسل قدیم و نسل جدید در پیامدهای اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی تمایزاتی دیده شده است. پیامدهای اختلال در رشد و موفقیت زن و نیز روابط خارج از چهارچوب خانواده فقط در بین زنان نسل جدید تجربه شده است. بر این اساس زنان نسل جدید و قدیم در پیامدهای مرتبط با روبرویی زن با بحران و تزلزل و جایگزین یابی برای آرامش مفقود متفاوت بوده اند و در پیامدهای مرتبط با روبرویی همسر با بحران و تزلزل، روبرویی فرزندان با بحران و تزلزل و تعاملات برون خانوادگی نامطلوب تفاوتی نداشته اند.

در پژوهش حاضر درون مایه استخراج شده از مقولات، بحران و تزلزل خانواده بوده است. اختلال در آرامش زنان در زندگی زناشویی پیامدهای مختلفی برای اعضای خانواده داشته است که بیانگر روبرویی خانواده با اختلال جدی در ثبات و تعادل است. همه پیامدها به عنوان عامل اختلال در آرامش است و چرخه معیوب اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی را باز تولید می کنند. بنابراین، پیشنهاد می شود متخصصان برای حل مسئله اختلال در احساس آرامش در زندگی زناشویی علاوه بر تمرکز بر رفع عوامل اولیه ایجاد اختلال در احساس آرامش، پیامدهای اختلال در احساس آرامش را نیز که موجب تشدید مسئله می شوند، مورد توجه قرار داده و برای رفع آنها راه حل هایی مناسب و متناسب با شرایط هر خانواده بیان کنند.

#### فهرست منابع

- \* قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: فولادوند، محمد مهدی. قم: چاپخانه بزرگ قرآن کریم.
۱. احدی، بتول،، حجازی، الهه، و به پیژوه، احمد (۱۳۸۳). رضامندی زناشویی ابراز هیجان والدین و مشکلات عاطفی- رفتاری کودکان. نشریه روان شناسی، ۱۸(۱)، ۵۲-۶۹.
۲. اسدی، راضیه،، افروز، غلامعلی،، غباری بناب، باقر، و قاسم زاده، سوگند (۱۳۹۴). رابطه رضایت زناشویی والدین

۳. با میزان محبوبیت آنها در نزد فرزندان بدون آسیب شنوایی. نشریه توانمندسازی کودکان، (۳)۶، ۸۲-۹۰.
۴. افروز، غلامعلی (۱۳۹۰). *روان شناسی خانواده*: همسران برتر. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۴. اقدامی، زهرا، و حسین چاری، مسعود (۱۳۸۷). تأثیر دشواری کار زنان شاغل و همکاری همسران در امور منزل بر رضایت از روابط زناشویی و اختلال های رفتاری فرزندان. *نشریه مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان*، (۱)۶، ۵۳-۶۹.
۵. الیاسی، محمدحسین، و منتظرالمهدی، مهدی (۱۳۹۵). تأثیر بهبود الگوهای تعاملی زن و شوهرها بر سلامت روانی و رضایت زناشویی آنها و هنجاریزیری فرزندانشان. *نشریه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۴۵، ۷۴-۷۶.
۶. امانی، حدیثه (۱۳۹۰). نقش زن در آرامش خانواده. *نشریه اسلامی زنان و خانواده*، ۹، ۶۱-۸۳.
۷. اسپیکچی، مریم (۱۳۹۰). بررسی احکام آرامش بخش قرآن در حیطه نظام خانواده. پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر ناهید مشایی. دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. بانکی پورفرید، امیرحسین (۱۳۹۰). آسیب شناسی نهاد خانواده در ایران با تأکید بر وضعیت ازدواج و طلاق. *کتاب اندیشه های راهبردی*. تهران: پیام عدالت.
۹. بانکی پورفرید، امیرحسین (۱۳۹۲). *سردلبیران: عوامل آرامش بخش و نشاط آفرین در خانواده*. اصفهان: حدیث راه عشق.
۱۰. برایمن، آلن (۱۳۸۹). *کمیت و کیفیت در تحقیقات اجتماعی*. مترجم: آقابگ پوری، هاشم. تهران: جامعه شناسان.
۱۱. بردشاو، جان (۱۳۸۶). *خانواده (تحلیل سیستمی خانواده)*. مترجم: قراچه داغی، مهدی. تهران: لیوسا.
۱۲. بشردوست، سیمین (۱۳۸۴). رابطه بین تعارضات زندگی زناشویی با سازگاری نوجوانان دختر مقطع راهنمایی شهر تهران. *نشریه دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی*، ۲۴، ۳۹-۵۸.
۱۳. بنی فاطمه، حسین، و طاهره، طاهری تیمورلویی (۱۳۸۸). تعیین عوامل اجتماعی-فرهنگی مرتبط با میزان رضایت از زندگی زناشویی در میان زنان متأهل شهر آذرشهر. *نشریه مطالعات جامعه شناسی*، ۲، ۷-۳۰.
۱۴. به پیروزه، احمد، و موسوی، بشری (۱۳۹۳). رابطه رضایت زناشویی و سلامت روانی در مادران دارای فرزندان مبتلا به مشکلات عاطفی و رفتاری. *نشریه علوم روان شناختی*، ۱۳، (۵۲) ۵۵-۵۱۸.
۱۵. بهرامی احسان، هادی، و واسلمی، الهه (۱۳۸۸). رابطه سازگاری زناشویی و سبک های فرزندپروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان. *نشریه روان شناسی و علوم تربیتی*، (۱)۱۳، ۶۳-۸۱.
۱۶. پناهی، احمدعلی (۱۳۸۷). خانواده از منظر دین و روان شناسی. *نشریه معرفت*، ۱۳۵، ۱۳-۳۴.
۱۷. تبریزی، منصوره (۱۳۹۳). تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی. *نشریه علوم اجتماعی*، ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
۱۸. جوکار، محبوبه (۱۳۹۱). گذری کوتاه بر تأثیر مدرنیسم بر خانواده با تأکید بر خانواده ایرانی. *کتاب اندیشه های راهبردی، زن و خانواده*. تهران: پیام عدالت.
۱۹. جولایی، سودابه، بحرانی، ناصر، پاشایی پور، شهزاد، و دیباییان، شهزاد (۱۳۸۴). بررسی رابطه رضایت از زندگی زناشویی با موفقیت های آموزشی فرزندان. *نشریه خانواده و پژوهش*، (۱)۲، ۱۰۸-۱۳۵.
۲۰. جهانی دولت آباد، اسماعیل، و حسینی، سیدحسن (۱۳۹۳). مطالعه جامعه شناختی علل و زمینه های بروز تعارضات زناشویی در شهر تهران. *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، (۲)۵، ۳۲۹-۳۶۴.
۲۱. چابکی، ام البنین، و زارعان، منصوره (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه های جامعه شناختی خانواده (ازدواج، طلاق و فرزندآوری). تهران: جامعه شناسان و روش شناسان.
۲۲. جیت ساز قمی، محمدجواد (۱۳۸۶). بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی. *نشریه جوان و مناسبات نسلی*، ۸۵، ۱-۱۱۲.
۲۳. حاجی زاده میمنندی، مسعود، و دهقان چناری، مریم (۱۳۹۴). سبک زندگی سلامت محور و رضایتمندی زناشویی بین زنان متأهل شهر یزد. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، (۱)۷، ۶۱-۷۶.
۲۴. حسینیان، سیمین، حسینی، فاطمه، شفیعی نیا، اعظم، و قاسم زاده، سوگند (۱۳۸۷). رابطه آشفستگی زناشویی مادران با زندگی فرزندان همسر دار آنها. *نشریه مطالعات زنان*، (۳)۶، ۸۱-۱۰۳.
۲۵. خواجه نوری، بیژن، و دهقانی، رودابه (۱۳۹۵). مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده. مورد مطالعه: رابطه تعارضات والدینی و سلامت روان نوجوانان. *نشریه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی*، ۷، ۳۷-۶۶.
۲۶. دیباجی فروشانی، فاطمه سادات، امامی پور، سوزان، و محمودی، غلامرضا (۱۳۸۸). رابطه رضایتمندی زناشویی و راهبردهای حل تعارض والدین با پیشرفت تحصیلی فرزندان. *نشریه تحقیقات روان شناختی*، (۱)۱، ۵۷-۶۸.
۲۷. رضوی، عبدالحمید، محمودی، میترا، و رحیمی، محبوبه (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضایت زناشویی و سبک های

- فرزندپروری والدین با مشکلات رفتاری فرزندان در دوره ابتدایی شهر ارسنجان. *نشریه خانواده و پژوهش*، ۲(۴)، ۷۳-۹۰.
۲۸. رکی‌بی، علی، علی‌خانی، مصطفی، خدادادی، کامران، و کرمی، جهانگیر (۱۳۹۱). رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۴۶۱)، ۴۶۱-۴۷۲.
۲۹. ستبر، ویرجینیا (۱۳۸۴). *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*. مترجم: بیرشک، بهروز. تهران: رشد.
۳۰. شاکریان، عطا، نظری، علی‌محمد، ابراهیمی، پاینا، فاطمی، عادل، و دانایی، صبا (۱۳۹۱). ارتباط شباهت و تضاد در ویژگی‌های شخصیتی با سازگاری زناشویی. *نشریه علوم رفتاری*، ۶(۳)، ۲۴۵-۲۵۱.
۳۱. طلایی‌زاده، فخری، و بختیارپور، سعید (۱۳۹۵). رابطه رضایت زناشویی و رضایت جنسی با سلامت روان زوجین. *نشریه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۱۰(۴۰)، ۳۷-۴۶.
۳۲. فانی، حجت‌الله، و فانی، معصومه (۱۳۹۴). رابطه بین تعارضات زناشویی والدین با رشد قضاوت اخلاقی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر. *نشریه زن و جامعه*، ۶(۴)، ۵۹-۷۶.
۳۳. فلیک، اووه (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. مترجم: جلیلی، هادی. تهران: نی.
۳۴. قدرتی، مهدی، افروز، غلامعلی، شریفی‌درآمدی، پرویز، و هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). تبیین خلاقیت دانش‌آموزان تیزهوش بر مبنای هوش، سن و رضامندی زناشویی والدین آنها. *نشریه روان‌شناسی افراد استثنایی*، ۱(۳)، ۱-۲۲.
۳۵. قره‌باغی، فاطمه، و آگیلا-وفایی، مریم (۱۳۸۸). نقش تعارض زناشویی و ایمنی هیجانی خانواده در سلامت جسمانی و روانی - اجتماعی کودک. *نشریه روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۵(۴)، ۳۵۹-۳۶۷.
۳۶. قره‌باغی، فاطمه، و وفایی، مریم (۱۳۸۸). ارزیابی شناختی، مقابله هیجان‌مدار با تعارضات خانواده و سلامت کودک: بررسی نظریه شناختی استرس در کودکان دبستانی. *نشریه مطالعات روان‌شناختی*، ۵(۴)، ۶۷-۸۴.
۳۷. کجیاف، محمدباقر، آقایی، اصغر، و کاویانی، رؤیا (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان رضایت زناشویی والدین و بروز اختلالات رفتاری دختران. *نشریه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۲(۴)، ۱۲۳-۱۴۸.
۳۸. کرایسی، امین، خجسته‌مهر، رضا، سودانی، منصور، و اصلانی، خالد (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر در ازدواج‌های پایدار رضایتمند در زنان. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲)، ۱۲۹-۱۶۴.
۳۹. کرمی، جهانگیر، رکی‌بی، علی، علی‌خانی، مصطفی، و خدادادی، کامران (۱۳۹۱). رابطه مهارت‌های زندگی و تعارضات زناشویی با بهداشت روانی در زوجین. *نشریه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴(۴۱)، ۴۶۱-۴۷۲.
۴۰. کوهی، سمانه، اعتمادی، عذرا، و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۹۳). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روانی با سرخوردگی زناشویی در زوجین. *نشریه پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۴(۱)، ۷۱-۸۴.
۴۱. گلزاری، محمود (۱۳۸۷). *فرآیند علمی انتخاب همسر در دانشگاه*. *نشریه سپیده دانایی*، ۱۷، ۱۳-۱۵.
۴۲. محسن‌زاده، فرشاد، مرادی کوچی، سمیرا، و خدادادی سنگده، جواد (۱۳۹۳). مطالعه پدیدارشناختی دلایل رضایت از ازدواج (از دیدگاه زنان راضی از ازدواج). *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۶۵، ۷-۳۶.
۴۳. معتمدی، فرزانه، غباری‌بناب، باقر، و ایرغم، زهرا (۱۳۹۵). بخشایش‌گری، رضایتمندی زناشویی و سلامت روان والدین کودکان کم‌توان ذهنی و عادی. *نشریه کودکان استثنایی*، ۱۶(۴)، ۲۷-۳۸.
۴۴. ملافاقری، معصومه، جلال‌منش، شمس‌الملوک، و زراعتی، حجت (۱۳۸۵). بررسی میزان نشانه‌های افسردگی نوجوانان و ارتباط آن با رضایت زناشویی مادران آنها در شهرستان تویسرکان در سال ۱۳۸۳. *نشریه اصول بهداشت روانی*، ۲۹، ۳ و ۴۳-۵۰.
۴۵. ملکوتی‌خواه، اسماعیل (۱۳۹۰). معناشناسی میثاق غلیظ در پیمان همسری و بررسی مؤلفه‌های بنیادین وفاداری به آن. *نشریه مطالعات راهبردی زنان*، ۵۲، ۱۱۱-۱۴۶.
۴۶. موسوی، سید فاطمه (۱۳۹۱). تبیین ابعاد پدیده طلاق عاطفی در خانواده‌های ایرانی. *نشریه بانوان شیعه*، ۲۹، ۷۱-۹۵.
۴۷. نادری، فرح، حیدری، علیرضا، و حسین‌زاده مالکی، زینب (۱۳۸۸). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مؤلفه‌های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز. *نشریه زن و فرهنگ*، ۱۱(۱)، ۲۸-۴۵.
۴۸. نشان اسکندری، فریده، و خوش‌نویس، الهه (۱۳۹۶). پیش‌بینی احساس تنهایی و امید به زندگی فرزندان دختر بر اساس تعارضات زناشویی و مشکلات عاطفی-هیجانی مادران. *نشریه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*، ۵(۱)، ۱۰۶-۱۲۱.
۴۹. نظری، فاطمه، کاکاوند، علیرضا، و مشهدی‌فراهانی، ملکه (۱۳۹۴). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های

فرزندپروری مادران و اختلال‌های بیرونی شده فرزندان‌شان. نشریه روان‌شناسی کاربردی، ۲۹(۲)، ۱۱۵-۱۳۵.  
۵۰. نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۹۱). اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده: آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده. تهران: پیام عدالت.

۵۱. هداوندی، محبوبه (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد آرامش در خانواده و رضایت از زندگی خانوادگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

۵۲. هدایتی، مهرنوش، و بیگی، سارا (۱۳۹۵). تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی با شاخص عملکرد جنسی در زنان. نشریه زنان، ۷(۲)، ۱۲۷-۱۴۱.

53. Al-Krenawi, A. (2012). A study of psychological symptoms, family function, marital and life satisfactions of polygamous and monogamous women: The Palestinian case. *International Journal of Social Psychiatry*, 58(1), 79-86.
54. Arfaie, A., Mohammadi, A., & Sohrabi, R. (2013). Relationship between marital conflict and child affective-behavioral psychopathological symptoms. *Journal Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 1776-1778.
55. Bryant, C. M., Conger, R. D., & Meehan, J. M. (2001). The influence of in-laws on change in marital success. *Journal of Marriage and Family*, 63(3), 614-626.
56. Coie, J. D., Watt, N. F., West, S. G., Hawkins, J. D., Asarnow, J. R., Markman, H. J., & Long, B. (1993). The science of prevention: a conceptual framework and some directions for a national research program. *Journal American psychologist*, 48(10), 1013- 1022.
57. Cui, M., Fincham, F. D., & Pasley, B. K. (2008). Young adult romantic relationships: The role of parents' marital problems and relationship efficacy. *Journal Personality and Social Psychology Bulletin*, 34(9), 1226-1235.
58. Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2002). Effects of marital conflict on children: Recent advances and emerging themes in process-oriented research. *Journal of child psychology and psychiatry*, 43(1), 31-63.
59. Davies, P. T., Harold, G. T., Goeke-Morey, M. C., & Cummings, E. M. (2002). Child Emotional Security and Interparental Conflict. *Journal Monographs of the Society for Research in Child Development*, 67(3), 101-115.
60. Davies, P. T., Sturge-Apple, M. L., Winter, M. A., Cummings, E. M., & Farrell, D. (2006). Child adaptational development in contexts of interparental conflict over time. *Journal Child Development*, 77(1), 218-233.
61. Dunn, J., & Davies, L. (2001). *Sibling relationships and interparental conflict*. Child development and interparental conflict. New York: Cambridge University Press.
62. Ellis, B. J., & Garber, J. (2000). Psychosocial antecedents of variation in girls' pubertal timing: Maternal depression, stepfather presence, and marital and family stress. *Journal Child development*, 71(2), 485-501.
63. Ellison, C. G., Walker, A. B., Glenn, N. D., & Marquardt, E. (2011). The effects of parental marital discord and divorce on the religious and spiritual lives of young adults. *Journal Social Science Research*, 40(2), 538-551.
64. El-Sheikh, M., Harger, J., & Whitson, S. M. (2001). Exposure to interparental conflict and children's adjustment and physical health: The moderating role of vagal tone. *Journal Child development*, 72(6), 1617-1636.
65. El-Sheikh, M., Kouros, C. D., Erath, S., Cummings, E. M., Keller, P., & Staton, L. (2009). Marital conflict and children's externalizing behavior: Pathways involving interactions between parasympathetic and sympathetic nervous system activity. *Journal Monographs of the Society for research in Child Development*, 74(1), 74- 80.



66. Fincham, F. D. (2003). Marital conflict: Correlates, structure, and context. *Journal Current Directions in Psychological Science*, 12(1), 23-27.
67. Flaherty, E. M., & Masters Glidden, L. (2000). Positive adjustment in parents rearing children with Down syndrome. *Journal Early Education and Development*, 11(4), 407-422.
68. Forman, E. M., & Davies, P. T. (2005). Assessing children's appraisals of security in the family system: The development of the Security in the Family System (SIFS) scales. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46(8), 900-916.
69. Gerard, J. M., Krishnakumar, A., & Buehler, C. (2006). Marital conflict, parent-child relations, and youth maladjustment: A longitudinal investigation of spillover effects. *Journal of Family Issues*, 27(7), 951-975.
70. Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Journal Nurse education today*, 24(2), 105-112.
71. Hawkins, D. N., & Booth, A. (2005). Unhappily ever after: Effects of long-term, low-quality marriages on well-being. *Journal Social Forces*, 84(1), 451-471.
72. Heiman, J. R., Long, J. S., Smith, S. N., Fisher, W. A., Sand, M. S., & Rosen, R. C. (2011). Sexual satisfaction and relationship happiness in midlife and older couples in five countries. *Journal Archives of sexual behavior*, 40(4), 741-753.
73. Kamp Dush, C. M., Taylor, M. G., & Kroeger, R. A. (2008). Marital happiness and psychological well-being across the life course. *Journal Family relations*, 57(2), 211-226.
74. Li, T., & Fung, H. H. (2011). The dynamic goal theory of marital satisfaction. *Journal Review of General Psychology*, 15(3), 246-254.
75. Lundblad, A. M., & Hansson, K. (2005). Relational problems and psychiatric symptoms in couple therapy. *International Journal of Social Welfare*, 14(4), 256-264.
76. Markman, H. J., Renick, M. J., Floyd, F. J., Stanley, S. M., & Clements, M. (1993). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4-and 5-year follow-up. *Journal of consulting and clinical psychology*, 61(1), 70-77.
77. Nargiso, J. E., Becker, S. J., Wolff, J. C., Uhl, K. M., Simon, V., Spirito, A., & Prinstein, M. J. (2012). Psychological, peer, and family influences on smoking among an adolescent psychiatric sample. *Journal of substance abuse treatment*, 42(3), 310-318.
78. Nicolotti, L., El-Sheikh, M., & Whitson, S. M. (2003). Children's coping with marital conflict and their adjustment and physical health: Vulnerability and protective functions. *Journal of Family Psychology*, 17(3), 315-326.
79. Roberts, L. J. (2000). Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. *Journal of Marriage and Family*, 62(3), 693-707.
80. Robles, T. F., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2003). The physiology of marriage: Pathways to health. *Journal Physiology & behavior*, 79(3), 409-416.
81. Roustit, C., Chaix, B., & Chauvin, P. (2007). Family breakup and adolescents' psychosocial maladjustment: public health implications of family disruptions. *Journal Pediatrics*, 120(4), 984-991.
82. Slatcher, R. B., & Schoebi, D. (2017). Protective processes underlying the

- links between marital quality and physical health. *Journal Current Opinion in Psychology*, 13, 148-152.
83. Trudel, G., & Goldfarb, M. R. (2010). Marital and sexual functioning and dysfunctioning, depression and anxiety. *Journal Sexologies*, 19(3), 137-142.
84. Vento, P. W. P. D., & Cobb, R. J. (2011). Chronic stress as a moderator of the association between depressive symptoms and marital satisfaction. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 30(9), 905-936.
85. Walton, E., & Takeuchi, D. T. (2010). Family structure, family processes, and well-being among Asian Americans: Considering gender and nativity. *Journal of Family Issues*, 31(3), 301-332.
86. Whitson, S., & El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Journal Aggression and Violent Behavior*, 8(3), 283-312.
87. Yoo, H., Bartle-Haring, S., Day, R. D., & Gangamma, R. (2014). Couple communication, emotional and sexual intimacy, and relationship satisfaction. *Journal of sex & marital therapy*, 40(4), 275-293.

